الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● از کارمندان مدت‌موقت شرکت نفت فلات قاره هستم، سوال من از وزیر محترم نفت و دیگر مسوولان این است که چرا ما بعد از دو سال از تبدیل وضعیت هنوز همان حقوق زمان پیمانکاری را دریافت می‌کنیم؟ هنوز در فلات قاره هیچ اضافه‌کاری‌ای دریافت نکردیم و مدرک تحصیلی و سابقه کاری‌مان هنوز در حقوقمان لحاظ نشده است.

● بهار، مصادف است با فرارسیدن عید نوروز، عیدی‌گرفتن از بزرگ‌ترها و عیدی‌دادن به کوچک‌ترها، تخم‌مرغ رنگی مادربزرگ، ماهی قرمز و چهارشنبه‌سوری، همراه با قاشق‌زنی نه ترقه‌بازی که در سال‌های اخیر مرسوم شده است! طبیعت زیبای بهار، نم نمک در راه است. هر چه به روزهای پایانی سال نزدیک‌تر می‌شویم، به یاد تحویل سال و دعای مخصوص «یا مقلب‌القلوب والابصار» می‌افتیم. لحظه‌های سرشار از مهر، محبت، عطوفت، مهربانی و دید و بازدید فرا می‌رسد.

بهار فصل همدلی و رفاقت، فصل دوستی و مودت، فصل دستگیری از نیازمندان است. از خداوند متعال می‌خواهیم که نیازمندان را بی‌نیاز فرماید و هموطنان گرامی هم تعطیلات عید را بهانه‌ای برای آشتی با طبیعت و دیدار با خانواده، دوستان و آشنایان قرار دهند و با قدردانی از این موهبت الهی، شکرگزار نعمت‌های خداوند بزرگ باشند.

علی‌اکبر فرقانی- خبرنگار اجتماعی اطلاعات هفتگی

● حاجی فیروزها یادآور یکی از سنت‌های دیرینه ایرانیان است . اما ای کاش به‌جای جوانان یا کودکانی که در سر چهاراه ها حاجی فیروز می‌شوند، هنرمندانی بودند که این نقش را ایفا می‌کردند و نه کودکان نیازمند پول.

● کارمند حق‌الجلسه‌ای پروژه‌ای صداوسیما هستم، امروز که ۲۶ اسفند است و همه مردم ایران به فکر تدارک شروع سال نو هستند اما ما با جیب خالی. متاسفم که مدیران صداوسیما عدالت را رعایت نمی‌کنند و ما هنوز حقوق بهمن‌ماه را نگرفتیم چه برسد به اسفند و عیدی و پاداش.

«نگاه بیرون» از درون

شرق، فرنگیس بیات: از همان روزهایی که شمارش معکوس برای رفتن رییس دولت یازدهم آغاز شد و زندگی سیاسی در بهار ۱۳۹۲ عزم به تغییر کرد، نحوه تعامل با خارج یا به عبارت دقیق‌تر آن با «غرب»، قطب‌نمای تحولات سیاسی کشور شد. دو انتخاب وجود داشت: ادامه انسداد یا گشایش مناسبات با غرب. این خود تبدیل به سنجه‌ای شد که بازیگران خارجی نیز برای درک و پیش‌بینی پویش‌های درون‌سیستمی در تهران توجه خاصی به آن نشان دادند و بر آن تمرکز کردند. بخش بین‌الملل رسانه‌ها در چند ماه منتهی به مذاکرات «تاریخی» نوامبر ۲۰۱۳ ژنو به واسطه اهمیت تغییر در متن و بازیگران سیاست خارجی در پی انتخابات خرداد ۱۳۹۲ به انعکاس تغییرات و موضع‌گیری‌های مقامات ایرانی می‌پرداخت. در واقع تغییرات در قوه‌مجریه مورد توجه بی‌وقفه بخش وسیعی از روزنامه‌ها، اتاق‌های فکری و وب‌سایت‌های تخصصی و به‌طورکلی رسانه‌های غربی، خاورمیانه‌ای و روسی بود. در این میان بودند مراکز دانشگاهی یا تحقیقاتی که گروه‌های ویژه‌ای را به کارشناسان ایران اختصاص دادند. برای مثال دانشگاه «هاروارد» بخش ویژه‌ای را در مرکز تحقیقاتی «بلفر» راه‌اندازی کرد به‌نام «ایران اهمیت دارد»؛ یا موسسه تحقیقاتی «بروکینگز» پرونده مجزایی به‌نام «ایران خود و جهان را شگفت‌زده می‌کند» منتشر کرد و درگاه مجله «فارین پالیسی» تقریبا در تمام روزهای تابستان گذشته مقالات مربوط به ایران را با نوشته‌ای درخور و جدید به‌روزرسانی می‌کرد. مجله فرانسوی نسبتا جدیدالانتشار «اوریان ۲۱» نیز با قلم نویسندگان سرشناسی مثل «برنار اورکاد» از تحولات ایران چشم برنمی‌داشت. اهمیت تحولات سیاست ایران در بهار گذشته باعث شد تا حتی اندیشکده‌های اروپامحوری مثل «خدمات اطلاعاتی ژئوپولیتیکی» در لیختن‌شتاین که تمرکز مطالعاتی و اطلاع‌رسانی بر حوزه اروپای متحد دارد، میزبان نویسندگان متخصص مسایل ایران شود.

۱- دیپلماسی و فرهنگ

در بین این رسانه‌ها، گرایش‌های میانه‌رو و چپ بیشتر بر سابقه دیپلماتیک امضاکنندگان قرارداد «سعدآباد» و مهارت رییس‌جمهوری در پیش‌بردن مذاکرات هسته‌ای در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ و البته ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایران تاکید می‌گذاشتند. به‌طور مثال مقایسه‌ای که میان تیم «سعید جلیلی» و مسوول جدید پرونده هسته‌ای «محمدجواد ظریف» صورت می‌گرفت، در بعضی نوشتارها گویی توضیح تفاوت دو جهان‌بینی بود تا دو شیوه مذاکراتی یا دو دستور کار مذاکراتی. پررنگ کردن وجوه فرهنگی مذاکره‌کنندگان در شکل اغراق‌های این‌چنینی در مورد تفاوت بازیگران سیاسی در ایران به‌طورکلی گرایشی است در میان رسانه‌های نسبتا منتقد خبرهای رسانه‌های جریان اصلی.

این اکتشافات فرهنگی برای تمایزگذاری میان جهان‌بینی بازیگران سیاسی می‌خواهد به خواننده غربی بگوید «همیشه چیزهایی هست که نمی‌دانی»؛ به‌عبارتی این افشاگویی‌ها و نیت‌خوانی‌های متفاوت بخشی از متونی است که قرار است مخاطب غربی را با پیچیدگی‌های رازآمیز شرقی (بخوانید ایرانی) آشنا کند. برای مثال مقاله «ژان کلود ووزن» باستان‌شناس فرانسوی در «لوموند» که با تیتر «در نکوهش پیش‌داوری» (۵آبان ۱۳۹۲) در «شرق» چاپ شد، نمونه عالی چنین پرده‌انداختن‌ها از فرهنگ ایرانی است؛ رازگشایی که قرار است تاثیر مستقیم فرهنگ بر روند مذاکرات هسته‌ای را نشان بدهد. او در این مقاله می‌نویسد: «درسطح مذهبی، سنت سیاسی ایران و «گلیسم» دارای وجوه مشترک مختلفی هستند... ایران کشوری است که شهروندانش بر مزار یکی از شاعران معروفش جمع می‌شوند و شعر می‌خوانند.» یا مثلا مقالاتی که شباهت‌های میان عقلانیت مدرن غربی و درک ضرورت‌های زمانی-مکانی [اجتهاد] در تشیع ایرانی را همپای هم قرار می‌دهد. برابرسازی‌هایی بر این شیوه، می‌خواهد نتیجه بگیرد که با حاملان چنین فرهنگی در جریان مذاکرات بهتر از مسلمانان «سنی» می‌توان به گفت‌وگو نشست و به صلح یا توافق احتمالی امیدوار ماند. کارشناسان و نویسندگانی که دستی در ساختن «آنتی‌تز» علیه رسانه جریان اصلی دارند، سعی کرده‌اند در مقابل کسانی که می‌گویند جمهوری اسلامی اساسا «مدرن» نیست، بایستند و با گرایشی همدلانه به‌نوعی تلاش دارند بگویند «اینها هم مثل ما به منافعشان فکر می‌کنند و این یعنی عقلانیت.»

۲- دیپلماسی و امنیت

پرونده هسته‌ای ایران که تدریجا می‌رفت همپای گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه لقب یکی از طولانی‌ترین مناقشه‌های دیپلماتیک بی‌نتیجه را برای خود ثبت کند، رسانه‌ها را در موضعی مقایسه‌ای میان تلاش ایران برای حل پرونده با انتساب تیم جدید و آشوب‌زدگی خاورمیانه قرار داد. از سویی ایران قرار داشت که با ابتکار بی‌سابقه‌ای مسوولیت پیگیری مذاکرات را به وزارت‌خارجه سپرد و نگاه امنیتی را از توافق هسته‌ای با دورزدن از مسیر هدایت گفت‌وگوها توسط مسوولان شورای امنیت ملی هموار کرد و در طرف دیگر تصاویر آوارگی مردم بی‌پناه سوریه، اجساد تلنبارشده طرفداران اخوان‌المسلمین در مسجد «رابعه عدویه» در قاهره و اعتراضات گروه‌های مختلف مردم ترکیه به طرح‌های سرمایه‌دارانه افسارگسیخته «عدالت و توسعه» در خیابان‌های استانبول و آنکارا قرار داشت. این دو وضعیت متناقض ثبات انتخاباتی در ایران و آشوب‌های زنجیره‌ای در خاورمیانه باعث شد تا ایران به مثابه لنگرگاه ثبات، متکی به انتخابات مردمی و سالم مورد توجه این رسانه‌ها قرار بگیرد. درواقع وضعیت عمومی حاکم بر خاورمیانه مزید بر علت شد تا نقش «امنیت‌ساز» ایران در ترتیبات منطقه‌ای موردتوجه جدی قرار گیرد. نقش ثبات‌بخش ایران در این دست تحلیل‌ها فراتر از امکان فرهنگی نزدیکی تهران با غرب بود.

نقش ایران بیشتر معطوف به نقش امنیت‌ساز این بازیگر در خاورمیانه آشوب‌زده و متفرق بود. انتقاد این دست تحلیلگرانی که عمدتا از تجلیلگران تئوری‌های هابزی دولت هستند، این بود که چرا آمریکا و اتحادیه اروپا؛ این روزها که ایران نمایش موفقی از ثبات دارد، نباید لنگرگاه ترتیبات امنیت‌ساز منطقه باشد؟ چرا آمریکا با ادامه سیاست دومسیره تحریم -مذاکره با دست خود یکی از باثبات‌ترین‌های خاورمیانه را به‌سوی تزلزل و دشمنی بیشتر سوق بدهد؟ یکی از نکات مورد اشاره این کارشناسان غربی این است که ثبات ناشی از استقرار یک نظام جمهوری با توانایی برگزاری انتخابات بدون تعویق در مقایسه با دیگر نظام‌های سیاسی خاورمیانه با محتوایی سلطنتی، بی‌ثبات و فاقد سازوکارهای مردمی چرخش و واگذاری قدرت، نوعی بیراهه‌رفتن از برقراری ثبات در نظام بین‌المللی است.

۳- دیپلماسی و بازنگری در نظم موجود

بنمایه جدی دیگری که در میان تحلیل‌ها و یادداشت‌های منتشرشده در رسانه‌ها دیده می‌شد و به فراخور آن ما نیز مجبور به انعکاس آن بودیم، طرح تردیدها و شک و شبهه‌هایی بود که درخصوص وجاهت ادامه هم‌پیمانی میان تشکیلات سیاسی پادشاهی‌های منطقه با غرب و ضرورت بازنگری در عقد اخوت غرب با آنها دیده می‌شد. از این مساله در گزارشی با نام «سایه سنگین همسایه‌ها» یاد کردیم. همسایگانی که هر گونه بهبود رابطه تهران با غرب را پایان بازی «عزیزدردانگی» خود با غرب تفسیر می‌کردند و نگران افت و ازدست‌دادن وزن ژئوپولیتیکی خود بودند. در میان همسایگان، ترکیه وضعیتی استثنا داشت و همواره به میانجیگری‌اش برای بهبود رابطه تهران با غرب به‌عنوان سرمایه سیاسی خاصی اتکا کرده است.

همسایگان عرب و نزدیکی آنها با تل‌آویو گوشه دیگری از دستگاه مخالف‌خوانی با از سرگیری روابط تهران و غرب بود و حجم فراوانی از مطالب مربوط به ایران به این شکل از ترتیبات عربی-اسراییلی نگاه می‌کرد. نگاه انتقادی به تلاش‌های اعراب-اسراییل با مصاحبه «بی‌بی‌سی» با نخست‌وزیر اسراییل و پاسخ‌های او در مورد پوشیدن شلوار جین و نسبت‌گیری پوشیدن جین و وجود آزادی زمینه‌ساز انتقادهای تندی شد که از موضع‌گیری اسراییل نسبت به برنامه هسته‌ای ایران نشأت می‌گرفت.

نویسندگان و تحلیلگران از گرایش‌های مختلف با زیرسوال‌بردن چنین قیاس مبتذلی، از نتانیاهو می‌پرسیدند چطور درمورد قابل‌مشاهده‌ترین اتفاق‌ها در خیابان‌های ایران اطلاع درستی ندارد و ادعای مطلع‌بودن از برنامه هسته‌ای ایران را با طرح‌های کارتونی مصرانه دنبال می‌کند. گزارش «رسوایی شلوار جین» درواقع بازتاب همین نگاه تمسخرآمیز رسانه‌ها به اظهارات «بی‌بی‌سی» بود.

ژنو ۳، آشتی‌ها و ژنو ۲، قهرها

سومین دور از مذاکرات هسته‌ای نهایتا به انعقاد قرارداد موقتی منجر شد که برخلاف دو دور قبلی همه بازیگران آن خوب بازی کرده بودند و به‌قول «فرانسوا نیکولو» سفیر سابق فرانسه در تهران، با قرارداد موقت ژنو «همه سرها» بالا بود. شکل‌گرفتن ترتیبات جدید که بدون شک ایران یکی از کشورهای «کارگردانی»کننده آن است، نیازمند بازنگری‌های جدی هم از سوی ماست و هم از سوی غرب. بازنگری در نگاه ما به بیرون و بازنگری غربی‌ها نسبت به ایران، همان توصیه قدیمی نه‌چندان پرطمطراق است «اینکه در روابط بین‌الملل دوست و دشمن دایمی وجود ندارد.»

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● متاسفانه حدود چند ماه است که روزنامه «شرق» در شهرستان مشکین‌شهر استان اردبیل توزیع نمی‌شود، می‌توانم دلیلش را بپرسم؟ من از خواننده‌های پروپاقرص شما هستم و اصلا دوست ندارم اینترنتی روزنامه را بخوانم.

شرق: «مشکین شهر» دارای نمایندگی مستقیم است. با توجه به بازه زمانی ارسال روزنامه، مخاطبان می‌توانند بعد از ظهر هر روز برای دریافت روزنامه همان روز به روزنامه فروشی‌ها مراجعه کنند.

● سوالی داشتم که مطمئنا سوال خیلی از افراد دیگر نیز هست. سیب‌زمینی و تخم‌مرغ و... که گران می‌شود تعرفه را کم می‌کنند و وارد می‌کنند و تولید داخل را رها می‌کنند، اما خودرو که گران می‌شود چرا تعرفه را پایین نمی‌آورند؟ واقعا چه دلیلی دارد؟

● روز یکشنبه که روزنامه را خریداری کردم متاسفانه ویژه‌نامه ملی‌شدن صنعت نفت در آن نبود؟ لطفا پیگیری کنید.

رحیمی از کازرون

● در خیابان فرشته، خیابان کوهیار، باغی وجود دارد به نام باغ نمازی، متاسفانه شهرداری مجوز ساختمان ۲۶طبقه داده، خیابان‌های اطراف آن شش‌متری هستند. ۲۰متر گودبرداری کردند و خیابان کوهیار و ساختمان‌های آن ترک خورده است. امیدوارم قبل از اینکه اتفاقی بیفتد شهرداری اقدامی انجام دهد.

● از وزیر محترم علوم استدعا دارم رشته‌هایی که برای آن بازار کار نیست مانند علوم‌سیاسی، باستان‌شناسی، ایران‌شناسی و سایر رشته‌های علوم انسانی فکری بکنند. من خودم دانشجوی دکترای علوم‌سیاسی هستم و ۱۷سال است که بیکار هستم. از مسوولان وزارت علوم می‌خواهم که فکری به حال این رشته‌ها بکنند یا آنها را منحل کنند یا به فکر جابه‌جایی این رشته‌ها با رشته‌های دیگر باشند.

غلامی از تهران

● از طرف جمعی از کارگران قراردادی شرکت گاز خوزستان تماس می‌گیرم. با ما قرارداد تامین‌اجتماعی بستند ولی متاسفانه عیدی‌مان را بر اساس عیدی کارمندان گرفتیم. لطفا پیگیری کنید.